

گنجینه فرهنگ مردم / ۱

قصه‌های ایرانی / ۱

کل به صنوبر چه کرد؟

گردآوری و تألیف

سید ابوالقاسم انجوی شیرازی

پژوهش

سید احمد وکیلان



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۶

فهرست

یادداشت پژوهشگر.....	۹
چند نکته گفتنی (یادداشت چاپ دوم از زنده یاد استاد انجوی).....	۱۵
مقدمه چاپ اول.....	۱۷
القبای مصوت این کتاب.....	۳۷
۱. شاهزاده ابراهیم و فتنه خونریز.....	۳۹
۲. فاطمه غرغرو.....	۴۷
روایت اول.....	۴۷
روایت دوم: خجه چاهی.....	۵۰
روایت سوم: یار بد بدتر بود از مار بد.....	۵۴
روایت چهارم: زن بد.....	۵۹
۳. خروس گردو دزد.....	۶۷
۴. بمونی و اسکندر.....	۷۱
۵. ملای مکتب.....	۷۷
۶. علی پیسو و چارخ.....	۸۱
روایت اول.....	۸۱
روایت دوم: غازی خان.....	۸۵
۷. مرد جوجه فروش.....	۸۷
۸. عباس دُوس.....	۹۵
روایت اول.....	۹۵
روایت دوم: اوسنه ^۱ عباس دوس.....	۱۰۰
۹. مثل روباه.....	۱۰۵



۱۰۵.....	روایت اول
۱۲۱.....	روایت دوم: روباه و گرگ
۱۲۵.....	روایت سوم: عمو روباه گول بز
۱۳۱.....	۱۰. دختر تاجر و پسر پادشاه
۱۳۱.....	روایت اول
۱۳۵.....	روایت دوم: گرازک
۱۴۱.....	۱۱. میراث سه برادر
۱۴۱.....	روایت اول
۱۴۵.....	روایت دوم: غول بی شاخ و دم
۱۴۹.....	روایت سوم
۱۵۳.....	روایت چهارم: ارثیه پادشاه
۱۵۹.....	روایت پنجم
۱۶۷.....	۱۲. ملک محمد و دیو یک لنگو
۱۹۱.....	۱۳. برگ مروارید
۱۹۱.....	روایت اول
۱۹۷.....	روایت دوم: شاه زنان
۲۰۰.....	روایت سوم: شاه و پسرش
۲۰۵.....	۱۴. باغ سیب
۲۰۵.....	روایت اول
۲۱۴.....	روایت دوم: متل سیمرغ
۲۳۴.....	روایت سوم: داستان ملک جمشید
۲۴۹.....	روایت چهارم: احمد پهلوان
۲۶۴.....	روایت پنجم: مرغ زرد
۲۷۷.....	روایت ششم: درخت سیب و دیو
۲۸۷.....	روایت هفتم: قصه ملک جمشید
۲۹۹.....	۱۵. کچل و شیطان
۲۹۹.....	روایت اول
۳۰۲.....	روایت دوم
۳۱۱.....	۱۶. کچل و قاضی
۳۱۹.....	۱۷. یک گردو بینداز بیاید
۳۳۳.....	۱۸. آدم بدبخت



۳۴۱	 ۱۹. آغجوری
۳۴۱	 روایت اول
۳۴۵	 روایت دوم: حسنی
۳۵۱	 ۲۰. باغ گل زرد و باغ
۳۵۱	 روایت اول
۳۵۷	 روایت دوم: قبا سنگی
۳۶۰	 روایت سوم: باغ گل زرد
۳۶۲	 روایت چهارم: باغ گل زرد و سرخ
۳۶۸	 روایت پنجم: پسر پادشاه و دختر خارکن
۳۷۲	 روایت ششم: سه باغ گل
۳۷۷	 روایت هفتم: جنگ (تنگ) بلور
۳۸۳	 ۲۱. سه برادر
۳۸۳	 روایت اول
۳۹۴	 روایت دوم: پسران پادشاه یا سه برادر
۴۰۰	 روایت سوم: دزد زیرک
۴۰۴	 روایت چهارم: رند اصفهانی
۴۰۸	 روایت پنجم: پسران پادشاه یا سه برادر
۴۱۳	 ۲۲. پسر خارکن با ملأ بازرگان
۴۱۳	 روایت اول
۴۱۹	 روایت دوم: بابل هند ^۱
۴۲۲	 روایت سوم: قصه چوپان زاده
۴۲۹	 ۲۳. گل به صنوبر چه کرد؟
۴۲۹	 روایت اول
۴۳۶	 روایت دوم
۴۵۶	 روایت سوم
۴۷۰	 روایت چهارم: گل چهره خانم
۴۷۸	 روایت پنجم
۴۸۷	 فهرست منابع
۴۸۹	 نمایه

یادداشت پژوهشگر

نود و دو سال پیش در شیراز در خانواده‌ای اصیل و با فرهنگ سید ابوالقاسم انجوی چشم به جهان گشود. وی از همان کودکی با لالایی‌ها و ناز و نوازش‌های مادرانه و قصه‌های مادر بزرگ و آداب و آیین‌ها و سنت‌های مردم شیراز پرورش یافت. ابوالقاسم در نوجوانی همراه با خانواده به تهران مهاجرت کرد و در جوانی جذب محافل ادبی و نویسندگان نواندیش شد.

زمان چندانی نگذشت که آن پرورش‌دوران کودکی و این آموزش‌دوران جوانی سبب دل‌بستگی انجوی به فرهنگ و ادب فارسی شد که حاصل آن تألیف آثار ارزنده‌ای بود که به اهل فضل و دانش پیشکش کرد از جمله تصحیح دیوان حافظ که انجوی رندانه بدان عشق می‌ورزید این اثر با مقدمه‌ای مبسوط درباره تاریخ اجتماعی زمان حافظ آغاز می‌شود و سپس متن تصحیح‌شده غزل‌ها با اشاره به همانندی‌های ابیات غزل‌های حافظ و دیگر غزل‌سرایان و توجه به ظرایف فرهنگ مردم در دیوان حافظ و کشف‌الایات و کشف‌اللغات ادامه می‌یابد که هنوز هم یکی از معتبرترین نسخ دیوان حافظ است.

اثر دیگر انجوی سفینه غزل بود که گزیده غزل‌های شاعران کهن و معاصر را گرد آورد و به دوستداران شعر فارسی تقدیم کرد. مقدمه پرفسور محسن هشتروddy با عنوان «تأثیر علوم در ادبیات و هنر» در این اثر از نادرترین مقاله‌هایی است که تاکنون درباره ادبیات نوشته شده است.

کتاب مکتب سمس دیگر اثر انجوی، گزیده‌ای از ناب‌ترین سروده‌های مولانا



در رئای شمس تبریزی است که پر از اشارات، رمزها و جذبه‌های عارفانه و عاشقانه، همراه با شرح و تفسیر تأثیرات متقابل شمس و مولانا بر یکدیگر است. اما این آثار نتوانست عطش انجوی را فرو نهند، زیرا او دل در گرو فرهنگ مردم کوچه و بازار داشت، آن‌هم در زمانه‌ای که از مردم سخن گفتن و نوشتن با طبع نواندیشان و غرب‌گرایان خوش نمی‌آمد. در نتیجه انجوی برای رسیدن به مطلوب خود دست از همه‌چیز و همه‌کس شست و روز و شب و گاه و بیگاه در پی راهی برای به قلم کشیدن فرهنگ شفاهی مردم بود و در مطبوعات به نشر گوشه‌هایی از زندگی مردم پرداخت و با طرح و اجرای برنامه‌های فرهنگی رادیویی «فرهنگ مردم» در کوتاه‌زمانی بیش از پنج‌هزار فرهنگ‌یار داوطلب شهری، روستایی و ایلیاتی را با خود همراه کرد و طی پانزده سال بخش مهمی از فرهنگ مردم ایران‌زمین را گردآوری و گنجینه فرهنگ مردم ایران را در مرکزی به همین نام متمرکز کرد؛ گنجینه‌ای که به گفته بسیاری از صاحب‌نظران ایرانی و خارجی یکی از پرسامدترین و پرمحتواترین گنجینه‌های فرهنگ مردم جهان است و شمار کتاب‌هایی که تاکنون از این گنجینه منتشر شده است به ده‌ها جلد می‌رسد.

نخستین آثار منتشرشده از این گنجینه کتاب‌های جلد اول تمثیل و مثل و مجموعه چهار جلدی قصه‌های ایرانی و بازی‌های نمایشی و اثر دو جلدی جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان و دوره سه جلدی فردوسی‌نامه می‌باشد که همه زیر نظر استاد انجوی پژوهش و تهیه شد.

قصه‌های ایرانی کامل‌ترین و علمی‌ترین و جذاب‌ترین قصه‌هایی است که تاکنون در ایران به چاپ رسیده است. این قصه‌ها چه از نظر محتوا، چه از نظر وسعت و پراکندگی جغرافیایی و چه از نظر نزدیک بودن با زبان و گفتار مردم و حفظ سنت‌ها و واژگان گویش‌های نقاط مختلف ایران‌زمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برای آنکه سخن به درازا کشیده نشود، خوانندگان محترم را به مقدمه‌های استاد انجوی در آغاز کتاب‌های یادشده و اظهارنظرهای صاحبان فکر و اندیشه که درباره قصه‌های جلد اول و دوم این مجموعه در فاصله سال‌های ۵۲ تا ۵۷ ایراد کرده‌اند و



در ویرایش جدید به انتهای جلد دوم انتقال یافته است، ارجاع می‌دهیم.

اما باید اضافه کرد که قصه‌های ایرانی در سه جلد در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ با عناوین *گل به صنوبر چه کرد؟* و *عروسک سنگ صبور* و یک جلد بدون عنوان منتشر، و در سال ۱۳۵۷ جلد اول با افزوده شدن روایت‌های تازه همان قصه‌ها در دو مجلد تجدید چاپ و در کوتاه‌زمانی نایاب شد و نسخ آن دست‌به‌دست می‌گشت.

حال که سی و چند سال از چاپ‌های این آثار می‌گذرد و مشتاقان بی‌نصیب‌اند و نویسندگان که سال‌ها دستیار زنده‌یاد استاد انجوی بوده و خود چند اثر از گنجینه فرهنگ مردم - *رمضان در فرهنگ مردم*، *تمثیل و مثل* (ج ۲)، *مثل‌ها و افسانه‌های ایرانی و چیستان‌های خواندنی* - را منتشر کرده، در سال ۱۳۸۸ در ملاقاتی با مسئولان محترم انتشارات امیرکبیر، تصمیم به چاپ و انتشار مجدد کتاب‌های *تمثیل و مثل* جلد اول و چهار مجلد *قصه‌های ایرانی* یادشده، گرفته شد.

اما از آنجاکه از زمان انتشار کتاب‌های یادشده تاکنون تغییر و تحولات بسیاری در حوزه مطالعات فرهنگ مردم به‌ویژه قصه‌ها رخ داده است، نویسندگان عضو انجمن بین‌المللی قصه می‌باشد تصمیم به لحاظ کردن برخی از این تغییرات، از جمله طبقه‌بندی، کدگذاری و پیوند و مشابهت‌های قصه‌های ایرانی با قصه‌های دیگر ملل جهان و همچنین اشاراتی به روایت‌های مکتوب قصه‌ها که در فرهنگ و ادب ایران سابقه دارند گرفت.

ناگفته نماند در سال ۱۹۶۱ م. پس از سال‌ها مطالعه بر روی قصه‌های هند و اروپایی توسط «مکتب فنلاندی قصه‌های عامیانه» از سوی آنتی آرنه^۱ فنلاندی و بعداً استیث تامپسون^۲ آمریکایی، قصه‌های عامیانه به چند دسته عمده شامل قصه‌های حیوانات، قصه‌های سحر و جادو، قصه‌های مقدسان و شخصیت‌های تاریخی، قصه‌هایی با جنبه داستان کوتاه، قصه‌های دیو ابله، قصه‌های خنده‌دار و

1. Anti Arne

2. Stith Tompson



لطیفه‌مانند، قصه‌های مسلسل یا زنجیره‌ای که در ایران به مثل مشهورند تقسیم شد که از کد ۱ تا ۲۱۹۹ را شامل می‌شوند.

متأسفانه به سبب عدم ارتباطات با مجامع علمی جهان و سطحی‌نگری به قصه‌ها از سوی گردآورندگان، سال‌ها جای قصه‌های ایرانی که جزو کهن‌ترین و مهم‌ترین قصه‌های جهان می‌باشد در مجامع بین‌المللی قصه‌شناسی خالی بود، تا آنکه دکتر اولریش مارزولف آلمانی که تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته شرق‌شناسی دانشگاه کلن به پایان رساند و پایان‌نامه خود را به تیپ‌شناسی قصه‌های ایرانی اختصاص داد. این اثر در سال ۱۳۷۱ با ترجمه استاد کیکاووس جهانداری در دسترس دانشجویان و علاقه‌مندان و پژوهندگان و قصه‌شناسان قرار گرفت (یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که اگر قصه‌های ایرانی استاد انجوی نبود این پایان‌نامه و طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی یا انجام نمی‌شد و یا به پرباری آنچه اکنون است، نمی‌بود).

به یاد دارم در جلسهای که در سال ۱۳۶۹ در منزل استاد انجوی در جمال‌آباد نیاوران با استاد کیکاووس جهانداری و پروفسور مارزولف که کتاب طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی را برای استاد انجوی پیشکش آورده بود، تصمیم به ترجمه و چاپ آن اثر گرفته شد. استاد انجوی در همان جلسه اظهار تأسف کرد که اگر این اثر در زمان تألیف قصه‌های ایرانی منتشر شده بود در شناسایی و ارزش‌گذاری و پیوند قصه‌های ایرانی با قصه‌های سایر ملل نقش بسزایی می‌داشت و یادآور شدند چنانچه روزی قصه‌های ایرانی تجدید چاپ شود این مهم حتماً لحاظ گردد.

از این‌رو نویسنده بر خود فرض و واجب دانست که به روایت‌های مکتوب این قصه‌ها در آثار کهن ایرانی اشاره کند و براساس طرح جهانی «تیپ‌شناسی قصه‌ها» به طبقه‌بندی، کدگذاری و ارتباط آن‌ها با قصه‌های دیگر ملل اشاره نماید. لازم به یادآوری است که نخستین بار نویسنده، کتاب مثل‌ها و افسانه‌های ایرانی را در سال ۱۳۷۸ طبقه‌بندی، کدگذاری و با قصه‌های دیگر ملل ارتباط داد که یکی از دلایل برگزیده شدن آن اثر در کنگره فولکلور ایتالیا در سال ۲۰۰۰ همین پیوند بین‌المللی بین قصه‌های ایرانی و دیگر قصه‌های جهان بود.



امید آنکه با انتشار چاپ تازه قصه‌های ایرانی حق‌شناسی خود را نسبت به زنده‌یاد استاد انجوی و راویان صدیق قصه‌ها ادا کرده و گامی تازه در پژوهش قصه‌های ایرانی برداشته باشم.

با امتنان و تشکر از دکتر محمد جعفری قنوازی که برخی از روایت‌های مکتوب قصه‌های این اثر را یادآور شدند.

سیداحمد وکیلان

نهم دی ۱۳۹۲ - تهران

چند نکته گفتنی

(یادداشت چاپ دوم از زنده یاد استاد انجوی)

تحقیق و بررسی مستند و معتبر در هر زمینه از زمینه‌های علمی خواه علوم رسمی، خواه دانش عوام، به سند و مدرک نیاز دارد. در مورد دانش‌های مکتوب یا علوم رسمی، مکان هر سند معلوم است و محقق با مراجعه به کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مراکز اسناد، مطلوب و منظور خود را می‌یابد و به مدد اسناد موجود به تحقیق می‌پردازد، اما در مورد دانش عوام به‌ویژه در کشور ما جز حافظه افراد بازمانده از دوره‌های گذشته و سینه سالخوردگان بی‌سواد اما با فرهنگ ایران گنجینه‌ای وجود ندارد و محفوظات آنان است که باید به‌صورت مخطوطات درآید و «اسناد» و «مواد تحقیق» نامیده شود.

از آنجاکه پیمودن چنین راهی با آموختن روش کار و رنج جانکاه و زحمت سفر و تحمیل ناملایمات بسیار ملازمه داشته و دارد، کمتر کسی را سراغ داریم که در این راه گام نهاده باشد، به همین سبب، آنچه تاکنون از جانب علاقه‌مندان به رشته تحریر درآمده و فراهم شده، نثری ادبی داشته و به شکل تفنن‌های پراکنده بوده و شکل علمی و مستند نداشته است. در این میان، تنها «مرکز فرهنگ مردم» است که با رعایت اصول علمی و پیش چشم داشتن جوانب کار، گنجینه‌ای فراهم کرده است که می‌توان به آن‌ها نام «سند» داد و «سند» اطلاق کرد.

قصه‌های ایرانی که اکنون چاپ دوم بخش نخستین از جلد اول آن را به‌نام



گل به صنوبر چه کرد؟ آن هم با تفاوت‌ها و دگرگونی‌های بسیار نسبت به نخستین چاپ ملاحظه می‌کنید، بخشی از همان اسناد است که در هر قصه روایت‌های مختلفی که اهل محل و همان سالخوردگان بی‌سواد و بافرهنگ محلی گردآورنده و راوی اصلی آن‌ها هستند، از نظر دور مانده و بدون هیچ گونه دخل و تصرف در ساختمان افسانه و طرز بیان و کیفیت تعبیر بر روایات قبلی علاوه شده است، منتها در مواردی که سندهای اصلی مانند مواد خام بوده و شکل علمی نداشته‌اند و لغات و اصطلاحات آن‌ها به صورت فعلی تنظیم نشده بوده‌اند، «مرکز فرهنگ مردم» این کار را به عهده گرفته، ورنه یک کلمه یا یک تعبیر پس و پیش نشده است که نباید می‌شد.

به علت همین افزودن روایت‌های تازه بر روایات سابق، این چاپ که چاپ دوم از بخش نخست مجلد اول است با نخستین چاپ آن دو تفاوت آشکار دارد: اول آنکه چند قصه از قصه‌های یک روایتی که در بخش نخستین کتاب بود مانند «سلطان مار» و «کچلک» و «تمریچی» به مجلدات بعدی برده شد تا همراه روایات دیگر همان‌ها به چاپ برسد؛ زیرا از هر کدام، روایت‌های تازه یافته‌ایم. دوم آنکه در حدود نیمی از قصه‌ها نیز به بخش دوم رفت تا حجم کتاب از حدود متعارف تجاوز نکند.

در پایان بر ذمه خود می‌دانم که از همکاری و معاضدت آقای سیداحمد و کیلیان و گروهی که با وی کار می‌کنند سپاسگزاری کنم و توفیق آنان را در ادامه این گونه خدمات فرهنگی از خداوند خواستار باشم.

سید ابوالقاسم انجوی

مرداد ۱۳۵۷ خورشیدی